

درآمد

آفریدگار دانا و توانای عالم که پدیدارها و کتاب هستی را رقم زد، انسان را به نیکوترین خلقت آفرید و مقام خلافت و فرمانروایی بر طبیعت را بدو بخشید و رودبار و حیانی و زلال قرآن را از معبر گزیده‌ترین انسان بر مزرع جان و خرد آدمیان جاری ساخت تا شکوفه‌های ایمان بارور گردد و اخلاص و پروا، صلاح و رستگاری، صبر و پایداری، عبودیت و سعادت برگ و بر دهد.

همان سان که کتاب تکوین و آفرینش را هدف و غایتی است، نزول قرآن و کتاب تشریح را نیز غایت و هدفی است که از مرتبت «علی حکیم» بسط و تنزیل یافته تا به فهم انسان در آید و آن غایت و هدف برآورده گردد. چینیستی آن غایت و هدف را خداوند در شماری از آیات قرآن کریم باز گفته است:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره/2)

«آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.»
... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ *يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ

(... (مائده/14-15)

«از طرف خداوند نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند...»
هدفداری و غایت‌مندی قرآن، ساختار نظام‌مند لفظی و معنایی را برتافته است، چه از متن گسسته و نامنظم، هدف و غایتی سر نمی‌زند؛ اما این نظام هندسی معنادار و هدف جو را می‌باید در کلیت پیکره قرآن سراغ گرفت و یا اینکه می‌توان در درون اجزا و بخش‌های کوچک‌تر، چون سوره‌ها و آیات نیز جستجو کرد؟
رهیافت به پاسخ درست این پرسش، سه محور اساسی و بنیادین در قلمرو پژوهش‌ها و علوم قرآنی را پدید آورده است:

1. تناسب و ارتباط سوره‌های قرآن با یکدیگر در چینش کنونی.
2. تناسب، انسجام و ارتباط درونی آیات یک سوره با یکدیگر.



رهیافت به منزلت و نیز دشواری پاسخ به این دو پرسش آن‌گاه میسر می‌گردد که توجه داشته باشیم هیچ یک از ترتیب سوره‌ها و آیات با شیوه کنونی بر اساس ترتیب نزول آنها بر پیامبر ⁹ صورت نپذیرفته، بلکه گاه سوره و یا آیه و آیاتی از سوره‌های مکی در دل سوره‌ها و آیات مدنی و بالعکس جای گرفته است.

3. برای یک سوره می‌توان وحدت و یگانگی در موضوع را باور داشت، اما افزون بر باور و پذیرش نظری، آیا می‌توان به دریافت و ترسیم خردپذیر و ضابطه‌مند آن موضوع یگانه نایل آمد؟

دشواری پاسخ به پرسش آخر در این نکته نهفته است که مسائل و مباحث مطرح شده در قرآن، بر خلاف معمول سایر متون، یکجا و بر پایه موضوع بندی سامان نیافته، بلکه درباره یک موضوع، در سوره‌های گوناگون و با شیوه‌های بیانی مختلف سخن گفته شده است.

پاره‌ای از مفسران و قرآن پژوهان مسلمان و بیشتر خاورشناسانی که در پی رهیافت به اندیشه اسلامی به کار تفسیر قرآن پرداخته‌اند، در مقام تفسیر آیات و سوره‌های کلام الهی به بررسی واژگان، جنبه‌های بیانی، بلاغی، ادبی، فقهی، تاریخی، کلامی و ... بسنده کرده و از پیوستگی آیات و یا سوره‌ها چیزی نگفته و یا بر سامان‌مندی و انسجام معنایی قرآن معترض بوده و قرآن را کتاب فاقد نظام و پیوستگی مفید و معنادار توصیف کرده‌اند. لکن گروه دیگر از مفسران به پیوستگی آیات و بخش‌های مختلف سوره‌ها توجه نشان داده و سوره‌های قرآن را واحدهای کوچک‌تری که وحدت موضوعی دارند، شناخته‌اند.

از مفسران پیشین، ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی (427 ق) در *الکشف و البيان عن التفسیر القرآن* و نظام الدین حسن بن محمد قمی نیشابوری (728 ق) در *غرائب القرآن و رغائب الفرقان* و امام فخر الدین رازی (606 ق) در *مفاتیح الغیب* و برهان الدین ابراهیم بن عمر بقاعی (885 ق) در *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور* و ابو بکر بن العربی (543 ق) در *احکام القرآن*، و از قرآن پژوهان معاصر، شیخ محمد رشید رضا در *تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)* و شیخ محمد شلتوت در *تفسیر القرآن الکریم* و نیز *الی القرآن الکریم* و علامه سید محمد حسین

طباطبایی در تفسیر المیزان و دکتر سید محمد باقر حجتی و عبدالکریم بی آزار شیرازی در الکاشف در این گروه جای می‌گیرند.

این پژوهش از میان سه پرسش و گزینه پیش گفته، مسئله وحدت موضوعی سوره‌های قرآن از منظر دو تن از مفسران نام‌آشنای معاصر؛ محمد رشید رضا در تفسیر «المنار» و علامه سید محمد حسین طباطبایی در تفسیر «المیزان» را به ارزیابی و سنجش نشسته، دیدگاه‌ها، روش‌ها و رویکردهای هر یک در طرح و پی‌کاوی وحدت موضوعی سوره‌های قرآن و نقطه‌های اشتراک و افتراق آن دو در این عرصه را (به فراخور توان و مجال) نشان داده است.

انتخاب این دو تفسیر برای بررسی تطبیقی و مقارن بر این پیش فرض استوار بوده است که این تفاسیر (به ویژه بخش‌های مربوط به محمد عبده در «المنار») در زمره تفسیرهای اصلاحی جای می‌گیرد که به مسائل زمان و پرسش‌های برون دینی درباره اسلام و قرآن و از جمله نظام‌مندی معارف و آموزه‌های قرآنی به مثابه سند نبوت پیامبر ۹ و کتاب قانون و برنامه زندگی مسلمانان توجه داشته و پاسخ داده است و دیگر آنکه علامه طباطبایی در نگارش «المیزان» به تفسیر «المنار» عطف نگاه داشته است، هر چند در بسیاری از مباحث، این عطف نگاه جنبه نقادی داشته و نقطه ضعف‌های «المنار»، مخصوصاً افزوده‌های رشید رضا بر این تفسیر را نمایانده است. اما به هر روی، نفس نگاه علامه به این اثر قرآنی، خود نشانگر اهمیت و منزلت و احیاناً اثر‌پذیری و یا دست‌کم الهام‌گیری در برخی از ساحت‌هاست که می‌تواند بستر و توجیهی برای نگاه مقارن به این تفاسیر باشد.

لایه‌های وحدت موضوعی در قرآن

پیش از پرداختن به تبیین دیدگاه «المیزان» و «المنار» در وحدت موضوعی سوره‌ها، برای رهیافت روشن‌تر و همه‌سویه به دیدگاه آن دو در وحدت سوره‌ها، بایسته می‌نماید به پیوست نظام معنایی در پیکره کلی و نیز اجزاء و واحدهای کوچک‌تر قرآن که هر یک از «المنار» و «المیزان» درباره آن سخن گفته‌اند اشاره شود. چه علامه طباطبایی و رشید رضا هر دو با تفاوت‌های کمی و کیفی که در



خلال بحث روشن خواهد شد. به وحدت‌ها و پیوست‌های چندگانه موضوعی در ساختار معنایی قرآن که می‌توان عنوان لایه‌های وحدت موضوعی بر آن نهاد، باور دارند.

1. وحدت مجموعی و موضوعی قرآن

قرآن کریم به صورت مجموعی و کلی، دارای غرض و موضوع یگانه است، این غرض و یا موضوع یگانه را نویسنده «المنار» بر پایه اصول و ارکان زیر استوار می‌داند:

«آنچه قرآن برای آن نازل شده، چندین امر است: نخستین آنها توحید است. دوم: وعده و بشارت پاداش نیک به آنان که عامل به قرآند و انذار و ترساندن از کیفر نسبت به آنان که احکام دین را به کار نمی‌بندند. سوم: عبادت که توحید را در دل‌ها زنده و در جان‌ها راسخ می‌کند. چهارم: تبیین راه سعادت و شیوه پیمایش آن به گونه‌ای که رساننده انسان به نعمت‌های دنیا و آخرت باشد. پنجم: بیان داستان آنان که در قلمرو حدود پروردگار متعال زیسته و به احکام دین الهی عمل کرده‌اند، و نیز بیان حکایت آنان که حدود الهی را شکستند و احکام خداوند را به یک سو نهادند. اینها اموری است که قرآن بر آنها مشتمل است و سعادت دنیا و آخرت مردم را تأمین می‌کند.» (رشید رضا، 38/1)

بدین ترتیب می‌توان گفت از منظر رشید رضا، برآوردن و تأمین سعادت انسان‌ها، غرض و موضوع یگانه قرآن است. علامه طباطبایی با بیان دیگر و گزیده‌تر، غرض و موضوع یگانه قرآن را هدایت انسان‌ها معرفی کرده است؛

«خداوند در آیاتی از کلام خود، گزیده غرض قرآن را بیان داشته و گفته است: برای شما از جانب خداوند نور و کتاب روشننگری نازل شده که به وسیله آن بشر را هدایت می‌کند. و نیز آیات دیگری غیر از این، که می‌رساند غرض و غایت قرآن، هدایت انسان‌هاست.» (طباطبایی، المیزان، 16/1)

گو اینکه در نگاه ابتدایی میان تأمین سعادت و هدایت، یگانگی و پیوست لازم به نظر نمی‌آید و در نتیجه میان دیدگاه رشید رضا و علامه طباطبایی در موضوع و

غرض یگانه قرآن دوگانگی تصور می‌شود. لکن رشید رضا در جای دیگر، مقصد و غرض قرآن را همان هدایت می‌شمارد و می‌گوید:

«المقصد الاول من القرآن هو الهدایة.» (رشید رضا، 443/5)

«مقصد نخستین قرآن، هدایت است.»

ناسازگاری و تعارض‌نمایی هر دو گفته رشید رضا در غرض و مقصد قرآن را می‌توان با سخنی از خود وی رفع کرد که در آن بهره‌وری از هدایت قرآن، بستری رسیدن آدمی به سعادت معرفی شده است؛

«تلاوت قرآن، مایه عبرت، موعظه و یاد خدا می‌شود و در پرتو آن، ایمان و معرفت آدمی نسبت به خداوند و سنت‌های او در آفرینش و حکمت او در خصوص بندگان شکوفا می‌گردد که ره‌آورد آن تقویت شعور و رهیافت انسان به تعظیم خداوند و افزایش رغبت به کارهای نیک و حرص بر التزام حق است. و در این حالت، انسان به سعادت دنیایی و اخروی خویش دست یازیده است.»
(همان)

2. وحدت موضوعی سوره‌های مکی و مدنی

برای بازشناسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی از یکدیگر، دو روش از دیر زمان در میان قرآن‌پژوهان و مفسران، متداول و شناخته شده بوده است: 1- نص‌گرایی 2- استنباط‌گرایی (زرکشی، 196/1؛ رامیار، 4-6). نص‌گرایان، شناخت آیه‌ها و سوره‌های مکی و مدنی را از معبر نصوص و روایاتی جستجو می‌کرده‌اند که در تعیین محل نزول آیات و سوره‌ها نقل شده است. لکن استنباط‌گرایان، هر چند بازشناخت مکی مدنی را در رسیدن به فهم قرآن و تاریخ دیانت اسلامی مهم می‌انگاشته‌اند، اما در ابزار شناخت، به مدد سبک و سیاق و درون‌مایه‌های آیات و سوره‌ها، به بازشناسی مکی از مدنی پرداخته و بر روش نص‌گرایی معترض بوده‌اند که آگاهی از مکی و مدنی بودن سوره‌ها و نیز ترتیب نزول آنها، ره‌آورد بس مهم در مباحث مربوط به دعوت نبوی، سیر روحی - روانی، سیاسی و مدنی آن در زمان پیامبر ﷺ و تحلیل سیره شریفه وی دارد. ولکن روایات چنان که می‌بینی، در این عرصه نمی‌تواند تکیه‌گاه، دلیل موثق و اثبات‌کننده چیزی باشد، گذشته از تعارض



مضمونی و درونی آن روایات، که باعث سقوط و فروگاهی آنان از منزلت اعتبار می‌گردد. پس تنها راه معین برای دستیابی به این هدف، تدبر و اندیشیدن در سیاق آیات و مدد جستن از قرائن درونی و بیرونی است. (طباطبایی، المیزان، 324/13 و 235 و 299/12؛ قرآن در اسلام، 186/)

محمد رشید رضا و علامه سید محمد حسین طباطبایی هر دو از مفسران و قرآن پژوهان گروه دومند، از این روی، در آغاز تفسیر سوره‌های قرآن، با تأمل در مضامین، سیاق و اسلوب آیه‌های سوره، مکی و مدنی بودن سوره و احیاناً آیه و یا آیاتی از آن را بازشناسی می‌کنند و سپس بر پایه همان رهیافت، به تفسیر و تبیین سوره می‌نشینند.

این دیدگاه دو برآیند آشکار دارد:

(الف) میان آیات و سوره‌های نازل شده در مکه از یک سو و آیات و سوره‌های نازل شده در مدینه از سوی دیگر، نوعی وحدت سیاق، مضمون و اشتراک مفهومی و موضوعی وجود دارد که مایه بازشناسی هر یک از دیگری می‌شود.

(ب) افزون بر وحدت موضوعی و مجموعی قرآن کریم، لایه دیگری از وحدت موضوعی میان آیات و سوره‌های مکی و نیز آیات و سوره‌های مدنی شکل می‌گیرد و بدین ترتیب دومین لایه و پیوست درونی میان سوره‌ها و آیات قرآن، صورت می‌بندد.

از این رو، هر یک از این دو مفسر، شاخصه‌ها و شناسه‌هایی را برای شناخت سوره‌های مکی و مدنی برشمرده و در جای جای تفسیر «المیزان» و «المنازل» و با شیوه‌های مختلف، از آن سخن گفته‌اند.

از منظر رشید رضا، سوره‌های مکی افزون بر شاخصه مشترک ایجاز و گزیده‌گویی، سجع و نظام موزون و آهنگین الفاظ، در ساختار معنایی، صبغه انذار و هشدار دهی بر جنبه تبشیری در آنها غالب است و محور پیام آن آیات و سوره‌ها نیز فراخوانی و دعوت به اصول و بنیان‌های فکر و دیانت اسلامی، هر چند به صورت اجمال و چکیده است.

چنان‌که سوره‌ها و آیات مدنی از منظر اسلوب بیانی، طولانی‌تر، روان‌تر و لحن ملایم‌تری دارند، به ویژه در آیاتی که طرف خطاب اهل کتاب است، زیرا آنان نسبت به عرب اصیل مکی و آشنا با فنون بلاغت و فصاحت، بهره کمتری از بلاغت و سخنرانی داشتند، به ویژه در مقایسه با طایفه قریش که مخاطب اصلی سوره‌های مکی به شمار می‌رفتند.

از منظر ساختار مفهومی و درون مایه‌های معنایی نیز سوره‌های مدنی با تفصیل بیشتری به مسائل مختلف فقهی، کلامی، قصص پیشینیان و ... پرداخته و به هنگام طرح مسائل اصولی و بنیادی اسلامی، به اهل کتاب نگرسته و موضوع‌هایی چون تحریف و بدعت در شرایع و کتاب‌های آسمانی پیشین و رویگردانی پیروان ادیان گذشته از مسیر درست هدایت انبیای الهی را یاد آور شده و آنان را به توحید در الوهیت و ربوبیت و پذیرش دیانت اسلامی که دیانت آخرین و بازتاب دهنده تمامی آموزه‌های انبیای سلف در شکل کمال یافته آنهاست، فرا می‌خواند و افزون بر این همه، آیات و سوره‌های مدنی، احکام عبادی شخصی، داد و ستدهای اقتصادی، اصول روابط اجتماعی، سیاسی و حکومت داری و قوانین آن را بازگو می‌کند. (رشید رضا، 33/1-31)

علامه طباطبایی هر چند به صورت مستقل به تبیین شاخصه‌های سوره‌های مکی و مدنی نپرداخته است، اما از خلال گفته‌های وی در آغاز تفسیر سوره‌ها و تعیین مکی یا مدنی بودن آنها، می‌توان به شناسه‌هایی همانند آنچه از «المنار» آوردیم دست یافت. از باب نمونه، وی در تبیین غرض و موضوع سوره مبارکه دخان می‌آورد:

«غرض سوره به انذار تردید کنندگان به قرآن خلاصه می‌شود که خداوند آنان را از عذاب دنیا و آخرت می‌ترساند و این مطلب را بدین شیوه بیان کرده است که این کتاب روشنگر، از جانب خداوند به پیامبر او نازل شده است تا بدان وسیله مردم را انذار کند و نزول این کتاب در حقیقت رحمتی از جانب خداوند بر مردم است، آن هم برترین رحمتی که در شب قدر اتفاق افتاد، شبی که در آن، هر امر دارای حکمت از هم جدا می‌شود، لکن مردمان کافر در آن شک کردند و



آن را بازیچه هوس‌های خود قرار دادند، خداوند ایشان را در عذاب دنیا فرو می‌برد و سپس در دادگاه قیامت به عذاب جاودان گرفتار خواهند آمد. و در این راستا خداوند داستان فرستادن موسی به سوی قوم فرعون برای نجات بنی‌اسرائیل و تکذیب وی از سوی فرعونیان و سرانجام غرق و هلاکت آنان را از باب یادکرد نخستین کسانی مشابه ایشان که از عذاب الهی ترسانده شده بودند، یاد می‌آورد.» (طباطبایی، المیزان، 129/18)

و نیز در بیان غرض و موضوع سوره مبارکه فاطر، که مکی بودن آن مورد وفاق است، می‌آورد:

«غرض سوره، بیان اصول سه گانه توحید در ربوبیت، رسالت پیامبر، معاد و بازگشت به سوی خداوند و نیز استدلال و ارائه برهان برای هر یک است.» (همان، 5/17)

سوره «ص» نیز مکی و محور و غرض یگانه آن، پیامبر ۹ است و اینکه نقش وی در دو چیز خلاصه می‌شود: انذار مردمان با قرآن که بر وی نازل شده است، دیگر، دعوت مردم به توحید و اخلاص و عبودیت الهی. این هدف و غرض، در ساختار کلامی زیر بیان شده است:

1. یادکرد، شقاق و استکبار کافران از پیروی پیامبر ۹ و ایمان به آن حضرت و باز داشتن مردم از ایمان با سخنان بیهوده و باطلشان.
2. دعوت پیامبر ۹ به صبر و بردباری و بر شماری داستان عده‌ای از پیامبران پیشین.

3. یادکرد فرجام کار طاغیان و پروا پشیمانان.

4. فرمان الهی به پیامبر ۹ مبنی بر دعوت مردمان به توحید و نیز یادآوری این مطلب که فرجام کار پیروان شیطان بر اساس قضای الهی در پگاه آفرینش آدم و امتناع ابلیس از سجده بر وی، آتش جهنم است.

چنان که علامه در آغاز سوره مبارکه حدید که آن را مدنی می‌شناسد، در پی یافتن موضوع و غرض آن بر می‌آید و انفاق را - که از مسائل فرعی دین است - موضوع آن سوره شناسایی می‌کند و می‌گوید:

«غرض سوره، انگيختن و ترغيب مؤمنان به انفاق در راه خداست، همان‌سان که

تأکيدهای پی در پی چنین موضوعی را گواهی می‌کند.» (همان، 144/19)

نکته‌ای که بر هر خواننده‌ای پوشيده نمی‌ماند، آن است که علامه به تناسب مکی و یا مدنی بودن هر یک از دو سوره پیش گفته، برای جستن موضوع تلاش کرده است و سرانجام موضوع سوره نخست را که مکی می‌داند، از مسائل اصلی و بنيادین اسلامی (اثبات و حیانی و حق بودن قرآن) و موضوع سوره دوم را که مدنی است، از محورهای مربوط به مسائل فرعی دین (انفاق) تعیین می‌کند. اما این تکاپو و چاره اندیشی با این پرسش رو به رو می‌شود که در آیاتی از همین سوره از مسائل بنيادینی چون صفات خداوند سخن رفته است. علامه که خود بر امکان طرح چنان پرسشی توجه داشته، در پی پاسخ و توجیه برآمده و گفته است:

«سوره، در هماهنگی با موضوع آن که ترغيب بر انفاق است، با تسبیح و تنزیه الهی از راه یادکرد شماری از اسماء حسناى الهی پایان یافته است تا زمینه و بستر گمانه نقص و نیاز نسبت به خداوند را بزدايد.» (همان)

3. پیوند موضوعی سوره‌های همسان آغاز

شماری از سوره‌های قرآن با حروف مقطعه آغاز یافته‌اند. فهم و رسیدن به معنا و مفهوم این حروف، از عرصه‌های معرکه آرای مفسران و قرآن پژوهان بوده است. علامه طباطبایی در این باره دو نکته در خور درنگ و تأمل دارد؛ نخست آنکه پس از یادکرد یازده قول و نظر در معنای این حروف و نقد آنها، بدین نتیجه می‌رسد که:

«و يستفاد من ذلك ان هذه الحروف رموز بين الله و رسوله خفية عنّا لا سبيل

لأفهامنا العادية اليها.» (همان، 9/18)

«از مجموع آنچه آوردیم به دست می‌آید که این حروف رمزهایی بین خدا و

رسول وی است که از پیمانانه فهم و درک معمولی ما فراتر است.»

دیگر آنکه در باور وی آن گروه از سوره‌هایی که با حروف مقطعه همسان آغاز یافته‌اند، موضوع مشترک و همسان نیز دارند. او در اول سوره مبارکه اعراف که با حروف مقطعه «المص» آغاز یافته است، می‌گوید:



«السورة تشتمل من الغرض على مجموع ما تشتمل عليه السور المصدرة بالحروف المقطعة «الم» و السورة المصدرة بحرف «ص». (همان، 5/8)

«این سوره دربردارنده تمامی آن غرض‌هایی است که سایر سوره‌های آغاز یافته با حروف «الم» و نیز سوره آغاز یافته با حرف «ص» دارد.»

بدین‌سان لایه دیگری از پیوست موضوعی میان هشت سوره از قرآن (بقره، آل عمران، اعراف، لقمان، روم، عنکبوت، ص و سجده) که با حروف پیش گفته آغاز شده‌اند، رخ می‌نماید.

4. سوره‌های مشتمل بر تمام غرض قرآن

نویسندگان «المیزان» و «المنار» هر دو بر این مطلب وفاق نظر دارند که پاره‌ای از سوره‌های قرآن بازتاب دهنده تمامی غرض و موضوعی است که در مجموع قرآن بدان پرداخته شده است و از این رو می‌توان آن سوره‌ها را کوچک شده و یا فشرده‌ای از تمام مطالب قرآن برشمرد، هر چند در تعیین اینکه کدامین سوره دارای چنان ویژگی است اختلاف دیدگاه است، چه سوره فاتحه از سوره‌هایی است که در فهم و نگاه رشید رضا از این گستره و ژرفای معنایی برخوردار است. او پس از آنکه اصول مسائل مطرح شده در قرآن را بر می‌شمارد، سوره فاتحه را به تفسیر می‌نشیند و تمامی آن اصول و مباحث را در آیات معدود و اندک این سوره سراغ می‌دهد و آنگاه نتیجه می‌گیرد:

«از مجموع آنچه تاکنون گفتیم، آشکار شد که سوره فاتحه اجمال و فشرده تمامی آنچه را که در کل قرآن به تفصیل آمده است در بردارد.» (رشید رضا،

(38/1)

لکن علامه طباطبایی، مطلع، پایان و سیاق آیات سوره هود را نشانگر محتوا و پوشش دهی تمامی غرض قرآن می‌شناسد؛

«آن گونه که از آغاز، پایان و سیاق آیات سوره بر می‌آید، این سوره تمامی غرض‌های قرآن را به رغم فزونی و پراکندگی آن بیان می‌کند و چکیده و عصاره مقاصد قرآنی را به رغم گوناگونی آن مقاصد و اختلاف مضمونی آیات

پوشش می‌دهد.» (طباطبایی، المیزان، 134/10)

به هر روی و گذشته از اختلاف در مصادیق، این دسته از سوره‌ها، تشکیل دهنده چهارمین لایه از لایه‌های معنایی در بیان غرض و موضوع یگانه قرآن به شمار می‌روند.

5. در هم تنیدگی موضوع برخی سوره‌ها

از منظر رشید رضا گاه موضوع دو سوره چنان در هم تنیده و نزدیک است که جز در اجمال و تفصیل پاره‌ای از مسائل، تفاوت چشمگیر دیگری نمی‌توان بین آنها سراغ گرفت. او در آغاز تفسیر سوره مبارکه یونس می‌گوید:

«این سوره بر مدار اثبات اصولی چون توحید، نفی و نابودی شرک، اثبات رسالت پیامبر ﷺ، بعثت و رستاخیز و زدایش شبهه از این اصول و سایر مسائل مربوط به مقاصد اصلی دین است.» (همان، 141/11)

و در پایان تفسیر سوره مبارکه هود می‌آورد:

«این سوره (هود) همانندترین سوره با سوره پیش از خود (یونس) است در اسلوب، معارف و آموزه‌هایی که در بردارد، از اصول باورهای دینی، همچون توحید، بعثت، پاداش و عمل صالح و همچنین تناسب و همانندی آغاز و فرجام آن دو - چنان که در آغاز تفسیر همین سوره آوردیم - جز اینکه در سوره یونس از احتجاج با مشرکان در سه موضوع توحید، قرآن و رسالت (که در سوره هود با اجمال بیان شده) با تفصیل بیشتر سخن گفته شده، و اما در این سوره (هود) داستان پیامبران که در سوره یونس به اجمال آمده، بسط و گسترش یافته است.» (همان، 198/12)

رشید رضا، همین پیوست و تناسب وثیق معنایی را میان دو سوره توبه و انفال به سر حد کمال می‌بیند، چندان که به نظر وی سوره توبه می‌تواند بسان متمم سوره انفال، در بخش بیشتر مسائل مطرح شده در آن سوره باشد ... که اگر نبود توقیفی بودن امور قرآن در سوره‌ها و مقدار آنها، تمامی دلایل و شواهدی را که بر شمردیم، می‌توانست مؤید نظریه کسانی قرار بگیرد که این دو سوره را یک سوره برشمرده‌اند. (همان، 147/10)



6. وحدت موضوعی سوره‌ها

افزون بر آنچه تاکنون در لایه‌های گوناگون وحدت موضوعی آوردیم، هر یک از سوره‌های قرآن به مثابه واحد مستقل در درون نظام پیوسته و کلان معنایی، دارای غرض و موضوعی است که علامه طباطبایی و رشید رضا با تفاوت‌هایی در تعیین و نیز شیوه و محل بیان آن غرض و موضوع، به شناسایی و تبیین آن پرداخته‌اند.

وحدت موضوعی سوره‌ها در «المیزان»

بر اساس پاره‌ای اظهارات، تلاش‌ها و تحلیل‌های تفسیری و قرآنی علامه طباطبایی در «المیزان»، و نیز راه‌هایی که وی برای کشف و دست‌یابی به موضوع و غرض سوره‌های قرآن ارائه می‌دهد، می‌توان او را در شمار کسانی نام برد که وحدت موضوعی سوره‌های قرآن را باور دارد، اما در عرصه عمل و تعیین موضوع برای هر یک از سوره‌های قرآن، از عهده چنان کاری بر نمی‌آید و یا به دیگر سخن، واقعیت و برون داد تفسیر «المیزان» به مسیر و پایانی جز اثبات وحدت موضوعی سوره‌ها ره می‌سپرد. ما در آغاز، دلایل و تلاش‌های علامه طباطبایی برای اثبات موضوع‌مندی هر یک از سوره‌های قرآن را می‌آوریم و سپس به موارد و مجموعه سوره‌هایی اشاره می‌کنیم که به نظر ایشان، فاقد وحدت موضوعی‌اند.

الف) ادله وحدت موضوعی سوره‌ها در «المیزان»

1. تلازم تحدید سوره‌ها با وحدت در موضوع

علامه طباطبایی، تقسیم قرآن به سوره‌های متعدد را نشانه وحدت موضوعی هر سوره، و نیز اختلاف و تعدد غرض‌های سوره‌ها به تعداد سور قرآنی قلمداد می‌کند. استدلال علامه از راه تحدید سوره‌ها برای اثبات وحدت موضوعی سوره‌ها از دو مقدمه و یک نتیجه سامان یافته است:

یک: مقدمه نخست آن است که خداوند در آیات مختلف قرآن از واقعیتی به نام سوره یاد کرده است، مانند آیه هشتاد و شش سوره توبه، آیه سی و هشت سوره یونس و آیه صد و سی سوره هود و آیه اول سوره نور.

دو: با نگرستن و تأمل در مجموعه آیات تشکیل دهنده یک سوره نوعی پیوست و التیام میان آنان دیده می‌شود که میان اجزای درونی آن (آیات آن سوره) و نیز میان آن سوره با سایر سوره‌ها دیده نمی‌شود.

نتیجه: غرض‌ها و مقصدهای سوره‌های قرآن متعدد و مختلف است و هر سوره در پی ارائه معنا و مقصد ویژه‌ای است که جز با تمام شدن آن غرض و مقصد بیان نمی‌پذیرد.» (طباطبایی، المیزان، 16/1)

2. تلازم کشف موضوع و رهیافت به فهم سوره

پیش زمینه و یا به سخن سنجیده‌تر، کلید فهم سوره‌ها و رهیافت به معنا و مفهوم یکایک آیات هر سوره در باور نگارنده تفسیر «المیزان» تبیین غرض و موضوع سوره است. پس بر مفسر قرآن است تا در مرحله نخست، موضوع سوره را کشف و شناسایی کند تا مبنا و بستری برای فهم معارف سوره و سمت و سو دهنده تفسیر آیات آن باشد. بی‌تردید، اگر این سخن علامه برهانی شود و پایه‌های استدلال آن از استحکام و استواری لازم برخوردار گردد، گذشته از آنکه در فهم منسجم و نظام‌مند آیات یک سوره مفید و کارساز می‌افتد، می‌تواند دریچه‌ای به سوی فهم، تحلیل واژگان، جمله‌ها و آیاتی بگشاید که در سوره‌های متعدد تکرار شده است و پاسخی باشد برای پالایش ساحت قرآن از گمانه و تهمت تکرار لغو. لکن علامه طباطبایی به غیر از آنکه خود در آغاز تفسیر هر سوره کوشیده است محور و غرض آن سوره را بشناساند و در پرتو آن غرض به فهم و تفسیر آیات سوره برود، تنها در یک مورد به تبیین این مدعا پرداخته است که چگونه رهیافت به غرض سوره‌ها می‌تواند بر فهم و تفسیر یکایک آیات آن تأثیر گذار باشد و آن، تفسیر و ارائه معنای بسم الله در آغاز سوره حمد است.



3. پیوست مفهومی بسم الله با غرض سوره‌ها

تمامی سوره‌های قرآن (به جز سوره برائت) با «بسم الله» آغاز می‌شود. گذشته از اینکه ثبت «بسم الله» در آغاز سوره‌ها جنبه تبرک و قداست یابی دارد یا آیه‌ای از هر سوره است، چون الفاظ و واژگان مشخصی دارد با معنا و مفهوم تا حدودی معین، همین، سبب شده است تا مترجمان و مفسران قرآن در آغاز تفسیر خویش به تبیین و تفسیر آن پردازند و در سایر موارد به همان تفسیر بسنده کنند. اما رأی علامه طباطبایی آن است که «بسم الله» در آغاز سوره‌ها بسان سایر آیات آن سوره که در نظام هندسی غرض و موضوع آن سوره دارای جایگاه و نقش ویژه هستند، مفهوم و جایگاه مخصوص معنایی دارد که می‌باید متناسب با همان جایگاه و کارکرد، فهم و تفسیر شود. علامه بر پای‌بست این نظریه و قاعده به تبیین معنای «بسم الله» در آغاز سوره مبارکه حمد و تبیین پیوست مفهومی آن با غرض این سوره پرداخته و می‌گوید:

«مفهوم «بسم الله» در سوره حمد، به غرض سوره بر می‌گردد. آنچه از ساختار سخن در این سوره بر می‌آید، این است که غرض آن، حمد و ستایش خداوند از رهگذر اظهار عبودیت است و ابراز عبودیت بنده نیز از راه انجام همان کاری است که انجام می‌دهد و امری است که بر آن اقدام می‌کند، پس ابتدا کردن به نام خداوند رحمان و رحیم به همین غرض بر می‌گردد. از این روی معنای «بسم الله» در آغاز سوره حمد چنین خواهد بود: به نام تو، بندگی خود را برای تو آشکار می‌کنم.» (همان)

ب) ابزار «المیزان» در موضوع یابی سوره‌ها

1. سیاق آیات سوره‌ها

علامه طباطبایی برای شناخت درست و دست یازیدن به محور و پیام اصلی سوره‌ها، پیش و بیش از رفتن به سراغ هر مستند ابزاری و قرینه‌ای، به سیاق آیات آن سوره می‌نگرد تا در پرتو آن به غرض واقعی سوره نایل آید. به نمونه‌هایی از این روش در «المیزان» اشاره می‌کنیم:

1. علامه به هنگام تفسیر نخستین سوره قرآن، از وحدت موضوعی آن بدین گونه سخن می‌گوید:

«سیاق و ساختار کلامی سوره بر این نکته دلالت دارد که غرض آن، حمد الهی از راه اظهار بندگی است. از این روی خداوند به نیابت از بندگان از عبادت، مدد خواستن از پروردگار و تقاضای هدایت سخن می‌گوید تا ادب اظهار عبودیت را به او بیاموزد.» (همان)

2. در آغاز تفسیر سوره مائده، هدف کلی سوره را دعوت به حفظ پیمان، وفای به عهد و پرهیز از پیمان شکنی می‌داند و منشأ این دریافت را فضای کلی حاکم بر این سوره می‌شمارد؛

«الغرض الجامع للسورة على ما يعطيه التدبر في مفتحتها و مختتمها و عامة الآيات الواقعة فيها و الاحكام و المواعظ و القصص التي تضمنتها هو الدعوة الى الوفاء بالعهد و حفظ الموائيق الحقّة كائنة ما كان و التحذير البالغ عن نقضها و عدم الاعتناء بامرها ...» (همان، 157/5)

«غرض جامع این سوره بر اساس آنچه که تدبر در آغاز، فرجام، احکام، موعظه‌ها و داستان‌های خلال سوره می‌رساند، دعوت به حفظ پیمان‌ها، وفای به عهدهای حق هر عهدی که باشد- و پرهیز دادن از پیمان شکنی و بی‌اعتنایی به میثاق‌هاست.»

چنان‌که در هنگام تفسیر سوره آل عمران، پس از آنکه غرض و موضوع آن را توصیف می‌کند، می‌افزاید:

«این سوره بدان می‌ماند که یکجا نازل شده باشد، زیرا آیه‌های آن که شمارشان به دویست آیه می‌رسد، از آغاز تا فرجام نظم و ساختار پیوسته دارد، آیات آن متناسب و اغراض آن مرتبط است.» (همان، 5/3)

2. مطلع سوره‌ها

خاستگاه دیگری برای رهیافت به غرض سوره‌ها در نظر علامه طباطبایی مطلع سوره است، از همین روی در کشف و تبیین غرض سوره نور ابراز می‌دارد:

«غرض سوره همان چیزی است که آغاز سوره از آن خبر می‌دهد؛ (سُورَةٌ



أَنْزَلْنَاهَا وَقَرَّضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نور/1) چه در این سوره مختصری از احکام واجب تشریح شده، آن گاه دسته‌ای از معارف الهی که با آن احکام مناسبت داشته، به مؤمنان تذکر داده شده است.» (همان، 78/16)

چنان‌که در آغاز تفسیر سوره مبارکه شعراء با استمداد از آیه دوم سوره می‌گوید: «غرض سوره بر اساس آنچه از آغاز آن استشمام می‌شود، تسلیت پیامبر ﷺ در برابر تکذیب قوم آن حضرت است، زیرا آنان کتاب نازل شده بر پیامبر را تکذیب می‌کردند.» (همان، 249/15)

و نیز، غرض و موضوع سوره «یس» را بیان اصول سه گانه می‌شمارد، زیرا با نبوت آغاز می‌شود و موضع مردم را در پذیرش و یا سرپیچی از دعوت بیان می‌کند. (همان، 62/17)

3. فرجام سوره‌ها

روش علامه طباطبایی به گونه‌ای است که در بیشتر سوره‌های دارای هدف و موضوع یگانه، آیات فرجامین آن سوره، فشرده و چکیده‌ای از درون‌مایه سوره را گزارش می‌کند، مانند سوره صفات که غرض آن استدلال بر یگانگی خداوند، انذار مشرکان و تبشیر مخلصان از مؤمنین و سرانجام و عاقبت هر یک از این دو گروه است. و نیز به عنوان نمونه‌ای از گروه دوم، شماری از بندگان مؤمن خویش را که خداوند بدانان منت نهاد و مقدر فرمود که در برابر دشمنانشان از آنها یاری کند، یاد می‌آورد. با این همه، در پایان سوره کلامی است که می‌توان آن را محصول و فشرده غرض سوره نامید و آن «تنزیه خداوند است و سلام بر آن دسته از بندگان که خداوند ایشان را به عنوان رسول خویش برگزید و حمد و سپاس الهی، به سبب اینکه چنان کاری انجام داد.» (همان، 120/)

همچنین علامه طباطبایی، دو آیه آخر سوره مبارکه بقره (285 و 286) را حامل بار معنایی و در بردارنده تمام غرض و مقصود آن می‌شمارد (همان، 439/2) ناگفته نباید گذاشت که از این سخن علامه، نباید به گمانه تناقض گویی از سوی وی در وحدت موضوعی سوره بقره دچار آییم و بگوییم بدانسان که در همین نوشتار نیز بدان اشاره شده است. علامه، سوره بقره را به دلیل نزول تدریجی

آن دارای موضوع یگانه نمی‌شناسد، با این حال دو آیه آخر را فشرده‌ای از غرض سوره می‌داند و این تناقض است.

دلیل نادرستی این گمانه آن است که علامه خود، در همان زمان که سوره بقره را فاقد وحدت موضوعی توصیف کرد، افزود که معظم آیات این سوره دارای محور یگانه است و اکنون که آیات آخر را به مثابه عصاره غرض سوره معرفی می‌کند، مقصود همان غرض و موضوع بیشتر آیات است و نه تمام سوره.

نمونه دیگر رهیافت به موضوع سوره از راه آیه فرجامین سوره در «المیزان» را می‌توان شناسایی و تعیین موضوع و غرض سوره مریم برشمرد که علامه در تعیین غرض آن می‌آورد:

«غرض سوره بر پایه آنچه که سخن خداوند در آیه 97 سوره مریم از آن خبر می‌دهد، تشبیر و انذار است، جز آنکه ساختار کلام برای ارائه چنان غرضی، بس بدیع است.» (همان، 6/14)

4. پیوست آغاز و انجام سوره‌ها

در شمار روش‌های علامه طباطبایی برای اثبات وحدت موضوعی یک سوره، کشف و آشکار ساختن ارتباط آغاز سوره با فرجام آن است، چنان که گویی آغاز سوره بستر و زمینه طرح موضوع و مطلبی را فراهم می‌آورد و در متن سوره، آن موضوع بسط و شرح داده می‌شود و در پایان سوره نیز بار دیگر چکیده و گزارش اجمالی از موضوع ارائه می‌گردد و با آغاز، پیوند می‌خورد. نمونه‌هایی از کاربست این روش در تفسیر «المیزان» را می‌آوریم:

1- هدف و موضوع سوره مبارکه رعد از منظر علامه طباطبایی، اثبات حقانیت قرآن است و اینکه قرآن نشانه رسالت پیامبر ۹ است. برای اثبات این مدعا به پیوست مفهومی آیه نخست سوره با آیه پایانی آن استدلال می‌کند و می‌گوید:

«و بر این مطلب دلالت دارد آغاز یافتن سوره با این سخن خدا: «آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده حق است، لکن بیشتر مردمان آن را نمی‌دانند.» و نیز پایان یافتن سوره با سخن الهی «کافران می‌گویند تو فرستاده خداوند نیستی، بگو: اینکه گواه بین من و شما خداوند است، کافی است.» (همان، 284/11)



2- علامه طباطبایی، موضوع و هدف سوره ابراهیم را شفاف سازی و بیان هدف نزول قرآن بر پیامبر ⁹ می‌شناسد و دلیل وی بر اثبات این مدعا، نحوه آغاز و فرجام این سوره است؛

«سوره کریمه، قرآن نازل شده بر پیامبر ⁹ را توصیف می‌کند، از این منظر که نشانه رسالت پیامبر است و مردمان را از تاریکی به سوی نور سوق می‌دهد و به راه خداوند سبحان که عزیز و حمید است، هدایت می‌کند. پایان سوره مبارکه نیز اشاره به همین مطلب دارد، زیرا خداوند می‌گوید: «این (قرآن) پیام (و ابلاغی) برای (عموم) مردم است تا همه به وسیله آن انذار شوند و بدانند که او، خدای یکتاست و برای آنکه صاحبان اندیشه و خرد پند گیرند.» (همان، 6/12)

3- در آغاز تفسیر سوره مبارکه شوری، غرض سوره را تبیین چیستی وحی الهی می‌داند و شاهد بر درستی این موضوع یابی را، آیه نخست و آخرین آیه سوره می‌داند و می‌گوید:

«بر این مدعا دلالت دارد آنچه که در آغاز سوره آمده: (كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ ... (شوری 3/)) و نیز کلامی که در پایان سوره آمده است: (وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ ... (شوری 51/))» (همان، 51/18)

«اعراض مشرکان از کتاب نازل شده بر پیامبر ⁹ یعنی قرآن»، موضوع سوره مبارکه سجده از منظر علامه طباطبایی است. او پس از تعیین این موضوع برای سوره، برای اثبات این مدعا می‌آورد:

«سوره با این آیه آغاز یافته است: (تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (فصلت 2/)... و در پایان نیز آمده است: (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ) (فصلت 52/))» (همان، 357/17)

در رهیافت به موضوع سوره مبارکه ذاریات نیز علامه از افق همسان و پیوست موضوعی آغاز و فرجام سوره سود جسته و گفته است:

«سوره از معاد و انکار آن از سوی مشرکان سخن گفته است. از این روی با سخن در موضوع معاد آغاز می‌گردد و با آن پایان می‌یابد.» (همان، 364/18)

ج) سوره‌های بی موضوع و چند موضوعی

چنان‌که پیشتر گفتیم و نیز بر اساس شواهد و نمونه‌هایی که تاکنون در دو ساحت نظر و عمل از علامه طباطبایی در وحدت موضوعی سوره‌های قرآن آوردیم، می‌باید او را در شمار باورمندان به وحدت موضوعی سوره‌ها جای داد، اما این داوری با چالش‌ها و مشکلات جدی و بسیاری همراه است؛ چه هم ایشان در خلال مباحث «المیزان»، نه تنها شماری از سوره‌های بی موضوع سراغ می‌دهد، بلکه گروه‌ها و دسته‌هایی از سوره‌های قرآن را بدون موضوع یگانه و یا بی موضوع قلمداد می‌کند و در این راه، برای شناخت و تعیین سوره‌های چند موضوعی، ملاک و معیار بر شمرده و سوره‌های بی موضوع را بی آنکه ملاک و معیاری ارائه دهد، نام برده و فاقد غرض مشخص معرفی کرده است.

1. سوره‌های مکی مدنی

این دسته از سوره‌ها شامل سوره‌هایی است که از دو گروه آیات نازل شده در مکه و آیات نازل شده در مدینه تشکیل شده‌اند، مانند سوره مبارکه معارج، که علامه طباطبایی آیات نخست این سوره تا آیه هجدهم را به دلالت سیاق آیات، مکی می‌شمارد و می‌گوید:

«سیاق سوره بیانگر آن است که روز قیامت و عذاب دردناک فراهم شده برای کافران در آن روز را توصیف می‌کند؛ چه، سوره با پرسش از عذاب کافران آغاز می‌شود، آن‌گاه به عذاب حتمی، نزدیک و نه دور (آن گونه که کافران می‌پنداشته‌اند) اشاره می‌کند که برای کافران در آن روز مهیا شده است و از این میان، مؤمنانی را که به وظیفه اعتقاد به حق و عمل صالح به پا خاسته‌اند، جدا می‌کند. این سیاق، شباهت به سیاق سوره‌های مکی دارد.» (همان، 6/20)

وی سپس می‌افزاید:

«غیر ان المنقول عن بعضهم أن قوله: (وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ) مدنی، و الاعتبار يؤديه لأن ظاهره الزكات و قد شرعت بالمدينة بعد الهجرة و كون هذه الآيه مدنية يستتبع كون الآيات الحاقّة بها الواقعة تحت الاستثناء و هي اربع عشرة آية (قوله: «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» الی قوله: «فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ») مدنية لما فی



سیاقها من الاتحاد و استلزام البعض للبعض و مدينة هذه الآيات الواقعة تحت الاستثناء تستدعي ما استثنيت منه و هو على الاقل ثلاث آيات (قوله: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» الى قوله: «منوعاً») على ان قوله: (فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ) متفرع على ما قبله تفرعاً ظاهراً و هو و ما بعده الى آخر السورة ذو سياق واحد فتكون هذه الآيات ايضاً مدنية. (همان)

«جز آنکه گفته شده آیه (وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ) مدنی است. اعتبار نیز این نظر را تأیید می‌کند، زیرا مراد از «حَقٌّ مَّعْلُومٌ» ظاهراً زکات واجب است که در مدینه و پس از هجرت تشریح شد. پی آیند مدنی بودن این آیه، مدنی بودن آیات چهارده گانه دیگری است که از نظر معنا با این آیه در هم تنیده است (از آیه «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» تا «فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمَاتٍ») زیرا سیاق این آیات پیوسته و برخی مستلزم برخی دیگر است.

اگر این گروه از آیات که در قلمرو استثنا قرار گرفته‌اند، مدنی باشند، می‌باید آیات سه گانه مستثنی منه («إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» تا «منوعاً») نیز مدنی باشند. افزون بر این، آیه (فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ) به طور آشکار و پیدا متفرع بر آیات پیش از خود است و با آیات پس از خود نیز تا پایان سوره، وحدت سیاق دارد. بدین سان، این آیات نیز مدنی هستند.»

وی آن‌گاه دلیل دیگری را برای مدنی بودن این گروه از آیات بر می‌شمارد؛ «مضامین این دسته از آیات مناسب حال منافقان پیرامون پیامبر ﷺ است که از چپ و راست پراکنده می‌شدند و پاره‌ای از احکام خداوند را مردود می‌شمردند. به ویژه سخن الهی (أَيُّطَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ ...) و سخن خداوند: (عَلَىٰ أَنْ تُبَدَلَ خَيْرًا مِنْهُمْ ...) و از سوی دیگر، خاستگاه اندیشه نفاق مدینه بود، نه مکه.» (همان)

چنان که پیداست، علامه، چون بخش نخست این سوره را مکی و بخش دوم را مدنی می‌شناسد، دو محور جداگانه برای هر یک از دو بخش باور دارد که کاملاً بریده از دیگری است. با آنکه هر دو بخش، اجزای یک سوره هستند. بدین سان

می‌توان نتیجه گرفت که قرار گرفتن مجموعه‌ای از آیات در قلمرو یک واحد به نام سوره، الزاماً پیوست مفهومی ایجاد نمی‌کند.

2. سوره‌های به تدریج نازل شده

بیشتر سوره‌های قرآن، یکجا و یکباره نازل شده‌اند، اما شماری از سوره‌های قرآن، نزول تدریجی و نجومی داشته‌اند. وحدت موضوع و غرض از دیدگاه علامه طباطبایی تنها برای سوره‌هایی وجود دارد که تمام آیات آن یکجا و یکباره نزول یافته باشد، لکن آن گروه از سوره‌هایی که نزول تدریجی داشته‌اند، وحدت موضوع و غرض ندارند. بر پای بست همین نگاه، علامه طباطبایی به هنگام تفسیر سوره بقره می‌آورد:

«لما كانت السورة نازلة نجومًا لم يجمعها غرض واحد.» (همان، 43/1)

«از آن روی که سوره بقره به تدریج نازل شده، وحدت در موضوع و غرض ندارد.»

چنان‌که در آغاز تفسیر سوره مبارکه نساء نیز به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید:

«و مضامين آياتها تشهد انها مدنية نزلت بعد الهجرة و ظاهرها انها نزلت نجوما

لا دفعة واحدة و ان كانت اغلب آياتها غير فاقدة للارتباط.» (همان، 134/4)

«مضامين آیات سوره نساء بیانگر آن است که این سوره پس از هجرت و در مدینه نازل شده است، چنان‌که از ظاهر آیات این مطلب نیز به دست می‌آید که سوره به تدریج و نه یکباره نازل شده است، اگر چه بیشتر آیات آن بی‌ارتباط با هم نیستند.»

نمونه و شاهد سوم بر این دیدگاه علامه طباطبایی، تفسیر و دیدگاه ایشان در سوره نحل است. سوره نحل به نظر علامه، از دو بخش مکی و مدنی سامان یافته است، بدین ترتیب که آیه اول تا چهلم در مکه و در آستانه زمان هجرت، و هشتاد و هشت آیه بعدی در مدینه نازل شده است. از همین رهگذر، سوره نحل دو موضوعی است؛ محور آیات بخش اول بر شماری نعمت‌های آسمانی و زمینی خداوند است که مایه قوام حیات انسانی به شمار می‌رود. اما بخش دوم که از آیه



(وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا) (نحل/41) آغاز و تا پایان، با سیاق و ساختار منسجم ادامه می‌یابد و غرض آن امر به صبر و پاداش نیکو برای صابران در راه خداست، در مدینه نازل شده است، زیرا در خلال این بخش، آیاتی وجود دارد که جز بر رویدادهای پس از هجرت تطبیق نمی‌کند، مانند آیه (وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ) (نحل/41) و آیه (وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ) (نحل/103) که بر اساس یک نظر درباره سلمان نازل شده است و سلمان بی‌تردید در مدینه ایمان آورد. و نیز آیه (مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ ...) (نحل/106) که درباره عمار نازل شده است و نیز آیات مربوط به احکام و آیاتی که درباره یهودیان است. (همان، 204/12)

باور داری علامه به فقدان وحدت موضوعی در سوره‌های تدریجی النزول را از راه دیگری نیز می‌توان به مشاهده نشست و آن اینکه علامه در جای جای «المیزان» به سیاق پیوسته آیات یک سوره تمسک جستجو و گفته است وحدت سیاق و یگانگی موضوع و غرض سوره، نشانگر نزول دفعی و یکجای آن است، مانند سوره شریفه آل عمران که وی در آغاز تفسیر آن، غرض و موضوع سوره شریفه را چنین تصویر می‌کند:

«دعوت مؤمنان به توحید کلمه در دین و صبر و ثبات در حمایت از آن و هشدار مسلمانان به دقت در موضع‌گیری در برابر دشمنان اسلام، مانند یهودیان و نصرانیان و مشرکان، که دست در دست یکدیگر نهاده و بر نابودی و خاموش کردن اسلام، عزم خود را جزم کرده بودند.»

آن‌گاه می‌افزاید:

«و يشبهه ان تكون هذه السورة نازلة دفعة واحدة فان آياتها و هي مأتا آية- ظاهرة الاتساق والانتظام من اولها الى آخرها مناسبة آياتها مرتبطة اغراضها.» (همان، 5/3)

«این سوره بدان می‌ماند که یک دفعه نازل شده باشد، زیرا آیات آن - که دوپست آیه است - دارای انسجام و سیاق یگانه و از اول تا آخر با یکدیگر متناسب و در غرض، پیوست آشکار دارند.»

د) وحدت حداقلی موضوع سوره‌های تدریجی النزول

نزول تدریجی یک سوره، هر چند که پیوست تنگاتنگ معنایی آیه را بر نمی‌تابد، اما به هر روی، قرار گرفتن شماری از آیات در ساختار کلان هندسی یک سوره آن هم با راهنمایی و حیانی و اقدام شخصی پیامبر 9 — نمی‌تواند تهی از هرگونه ارتباط و پیوست با یکدیگر باشند. بدین سبب علامه طباطبایی با اینکه سوره‌هایی مانند بقره را به دلیل نزول تدریجی فاقد غرض یگانه و پیوسته می‌داند، با این وصف، غرض و خط ممتد و پیوسته‌ای را از شمای کلی سوره و از ورای اختلاف‌های مضمونی بر آمده از تفاوت محل نزول استنباط می‌کند و بر آن است که بخش بیشتر سوره از مقصد و غرض یگانه خبر می‌دهد و آن مقصد یگانه این است که حق پرستش و بندگی خداوند سبحان می‌طلبد که بندگان به تمام آنچه که خداوند بر رسولان خویش فرو فرستاده است ایمان بیاورند، بی آنکه بین وحی با وحی دیگر و یا پیامبری با پیامبر دیگر و جز این، تفاوت قائل شوند. و نیز سرزنش کافران، منافقان و اهل کتاب، به دلیل ایجاد بدعت تفرقه در دین خدا و تفاوت قائل شدن بین رسولان الهی و آن‌گاه بیان شماری از احکام همچون تغییر قبله، احکام حج، ارث، روزه و جز اینها. (همان، 43/1)

و همچنین در پیوست مفهومی و وحدت موضوعی سوره نساء می‌آورد:

«و ان كانت اغلب آیاتها غیر فاقدة للارتباط فیما بینها.» (همان، 134/4)

«اگر چه بیشتر آیات این سوره بدون ارتباط درونی با یکدیگر نیستند.»

آن‌گاه محور ارتباط آیات سوره را بیان احکام (ازدواج، تعدد همسران، محرمات نکاح، ارث، نماز، جهاد، شهادت، تجارت و ...) و احوال اهل کتاب می‌شمارد که تنها می‌تواند خط کمرنگی از ارتباط، آن هم بین بیشتر و نه تمامی آیات را بنمایاند. (همان)

ه) سوره‌های بی موضوع

علامه طباطبایی پاره دیگر از سوره‌هایی را سراغ می‌دهد که فاقد وحدت موضوعی هستند. او بدون آنکه برای این گروه از سوره‌ها ملاک و معیاری ارائه



دهد، سوره توبه را به عنوان نمونه در شمار سوره‌هایی می‌داند که معانی آیات و مضامینی که آیات این سوره بر آنها مشتمل است، به غرض یگانه، مشخص و معین نمی‌انجامد، آن گونه که آیات سایر سوره‌ها بر محور و اغراض معینی استوار است و آغاز و فرجام آن سوره‌ها بدان بر می‌گردد. (همان، 146/9)

بدین‌سان آیا می‌توان علامه را در شمار کسانی دانست که وحدت موضوعی سوره‌ها را باور دارد؟ مگر آنکه بگوییم علامه طباطبایی در تئوری و نظر دغدغه آن را داشته است که برای سوره‌های قرآن نوعی وحدت موضوعی سراغ دهد و در این راه تلاش افزون و بسیار کرده است، از جمله اینکه حتی در سوره‌های تدریجی النزول، غرض و موضوع یگانه برای بیشتر آیات آن و نه تمام سوره سراغ داده است، اما در عرصه عمل به طور کامل و تمام سویه از پس این کار بر نیامده است.

وحدت موضوعی سوره‌ها در «المنار»

رشید رضا در «المنار» با شیوه‌ای متفاوت با «المیزان» وحدت موضوعی سوره‌ها را پی گرفته است. بر شماری برخی از ویژگی‌ها و روش‌های «المنار» می‌تواند ما را با چند و چون اسلوب «المنار» در تعیین موضوع سوره‌های قرآن آشنا سازد.

الف) «المنار» و پیوست ارگانیک سوره‌ها

رشید رضا بر ارتباط ارگانیک هر یک از سوره‌هایی که در چیدمان کنونی مصحف پی هم می‌آید، باور دارد و بر آن است که ترتیب کنونی سوره‌های قرآن بر اساس مناسبت و پیوستی است که می‌طلبد هر سوره در کجای سازواره معنایی قرآن جای داده شود تا با سوره پیش و پس از خود تلائم و انسجام کامل را در بافت و ساخت معنای هدفدار و غایتمند بیابد. بر پای بست همین نگرش، در آغاز تفسیر سوره‌ها به ارتباط و پیوست معنای آن سوره با سوره پیشین می‌پردازد که در این خلال، موضوع مشخص هر سوره نیز به دست می‌آید. نمونه زیر گواه اثبات این روش تفسیری رشید رضاست.

او در آغاز تفسیر سوره آل عمران، پیوند و ارتباط آن با سوره بقره را چنین باز می‌گوید:

«بین این سوره و سوره پیش از آن، از چندین ناحیه ارتباط و مناسبت وجود دارد:

1. هر دو با یاد کرد قرآن و شیوه برخورد مردم با آن آغاز یافته است، جز آنکه در سوره بقره از دو گروه مؤمنان و غیر مؤمنان به قرآن سخن گفته است. از نظر ترتیب این موضوع شایسته پیشداشت است، چون مربوط به اصل دعوت است، اما در سوره دوم از گروه «زایغان» و کسانی که به انگیزه فساد و تأویل قرآن به سراغ آیات متشابه می‌روند و نیز کسانی که به محکم و متشابه قرآن ایمان دارند و تمامی این کتاب را از سوی خداوند می‌دانند، سخن به میان آمده است. محل مناسب این موضوع، در مرحله پسین‌تر از موضوع نخست است.

2. در هر دو سوره با اهل کتاب احتجاج شده، لکن در سوره بقره، روی سخن، بیشتر با یهودیان است. سرّ این مطلب در آن است که نصارا نسبت به یهود، هم از لحاظ پیدایی و هم از منظر دعوت به اسلام، در مرتبه پسینی قرار دارند و این می‌طلبد که در سوره اول بیشتر با یهود و در سوره دوم بیشتر با نصارا احتجاج شود.

3. در سوره نخست، آفرینش آدم و در دومی، آفرینش عیسی (ع) تصویر و آفرینش عیسی به خلقت آدم همانند شده است. می‌سزد که موضوع اول در سوره نخست و دومی در سوره بعدی طرح شود.

4. در هر دو سوره شماری از احکام مشترک همچون جنگ بیان شده است، هرگاه کسی شیوه طرح این موضوع در هر دو سوره را مقایسه و سنجش کند، خواهد پذیرفت که محل مناسب آن، همان سوره‌ای است که این احکام در آن آمده است و احکام بیان شده در سوره بقره نمی‌باید در سوره آل عمران و بر عکس آورده شود.

5. هر دو سوره با دعا پایان یافته، لکن دعا در سوره بقره متناسب و سازگار با آغاز رویکرد دینی است؛ زیرا بخش بیشتر دعای سوره بقره ناظر به تکلیف و



طلب یاری علیه منکران دعوت اسلامی و محاربان با مسلمانان است، حال آنکه دعای سوره دوم، مشتمل بر پذیرش دعوت، تقاضا و درخواست پاداش برای دینداران است.

6. پایان سوره دوم چنان که برخی گفته‌اند- متناسب با آغاز سوره اول و گویی متمم آن است، چه اینکه سوره اول با اثبات فلاح برای متقیان آغاز، و سوره دوم با جمله **(وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)** (آل عمران/200) پایان یافته است. (رشید رضا، 152/3)

چنان که در تبیین اتصال و مناسبت میان دو سوره نساء و مائده می‌نویسد:

«آنچه آشکارا دیده می‌شود، این است که بخش بیشتر سوره مائده درباره احتجاج با یهود و نصاراست و اندک سخنی که درباره منافقان و مشرکان آمده است. و این همان است که در آخر سوره نساء تکرار شده است و این قوی‌ترین مناسبت بین دو سوره و بارزترین وجه اتصال میان آن دو به شمار می‌رود، چندان که گویی آنچه از موضوعات در سوره مائده بیان شده، مکمل و تمامیت بخش مسائل مطرح شده در سوره نساء است.» (همان، 117/6)

رشید رضا هر چند می‌کوشد میان آیات یک سوره پیوند و ارتباط برقرار کند، اما گاه از عهده این کار بر نمی‌آید، مانند آنچه که در سوره نساء اتفاق افتاده است. مطلع این سوره تا پایان آیه 35 مربوط به احکام زنان است و از آیه 36 تا آیه 126 احکام عمومی چون اهل کتاب، منافقان و جهاد با آنان بیان شده است. سپس از آیه 127 بازگشت دوباره به احکام زنان صورت گرفته است. رشید رضا بی آنکه در پی کشف ارتباط آیات میانی سوره (126-36) با آیات پس و پیش از آنها بر آید و سخنی بگوید، حکمت تأخیر گروه دوم از آیات مربوط به زنان را تأخیر زمان نزول آنها می‌شمارد؛

«و قد جائت هذه الآيات بعد ذلك (آیات 126-36) فی احکام النساء فهی من جنس الاحکام التي فی اول السورة و لعل الحکمة فی وضعها هنا تأخیر نزولها ان شعر الناس بعد العمل بتلك الآيات بالحاجة الى زيادة البیان فی تلك الاحکام.» (همان، 442/5)

«این آیات (127-176) که درباره زنان است، پس از آیات 36-126 قرار گرفته و نوعی بازگشت به احکام مربوط به اول سوره است که آن هم درباره زنان است. حکمت این تأخیر و فاصله بین هر دو فراز شاید این باشد که گروه دوم پس از آیات نخست و زمانی که مردم نسبت به این دسته از احکام احساس نیاز کردند، نازل شده باشد.»

ب) وحدت موضوعی سوره‌ها، برآیند تناسب سوره‌ها

در شمار برآیندهای طبیعی و گریز ناپذیر وحدت موضوعی و ارتباط ارگانیک سوره‌های قرآن، ارتباط و پیوست معنایی میان تمام آیات یک سوره است که می‌توان نام وحدت موضوعی سوره بر آن نهاد، زیرا بدون پیوست واحدهای کوچک‌تر نمی‌توان از پیوست واحدها با یکدیگر سخن گفت. ارتباط درونی هر واحد (سوره) باید چنان باشد که رگه‌هایی از ناهمگنی راه نیابد و اگر احیاناً ناسازگاری در برخی از اجزاء به چشم آید، باید در پی رفع آن برآمد تا ارتباط منطقی و متناسب آن جزء با غرض سوره برقرار و آشکار شود.

ج) تناسب درونی آیات سوره‌ها

گویی از همین سبب، رشید رضا افزون بر آنکه بین سوره‌های قرآن اتصال و پیوست موضوعی می‌بیند، آیات یک سوره را نیز دارای نظام پیوسته و منسجم می‌بیند و آن‌گاه که میان دو آیه پی هم، ارتباط و پیوستگی آشکار دیده نشود، به جستجو و کشف آن مناسبت می‌پردازد، مانند نمونه‌های زیر:

1. آیه نود و هشتم سوره مبارکه آل عمران به کفر اهل کتاب و نیز دلیل کفر آنان به آیات الهی می‌پردازد و آنان را تهدید و سرزنش می‌کند و در آیه صد همان سوره خطاب به مؤمنان و مسلمانان، ایشان را از پیروی و اطاعت اهل کتاب باز می‌دارد.

رشید رضا گویی میان این دو آیه مناسبت روشنی نمی‌بیند، از این رو در صد مناسبت بر می‌آید و می‌گوید:



«فانه بعد ما وبخ اهل الكتاب على كفرهم و صدهم عن سبيل الله و هو الاسلام اثر اقامة الحجج عليهم و ازالة شبهاتهم، ناسب أن يخاطب المؤمنين مبيناً لهم أن من كان هذا شأنهم في الكفر و هذا شأن ما دعوا اليه في ظهور حقيقة، لا ينبغي أن يطاعوا و لا أن يسمع لهم قول فإنهم دعاة الفتنة و رواد الكفر.» (همان،

18/4)

«پس از آنکه خداوند اهل کتاب را بر کفر و بازدارندگی از راه خدا که همان ایجاد مانع بر سر راه اسلام است، آن هم پس از ارائه دلیل و برهان و زدایش شبهه‌هایی که فرا رویشان قرار داشت، توبیخ می‌کند، بایسته است که مؤمنان را مورد خطاب قرار دهد و به آنان توضیح دهد که هر کس در جایگاه کافران اهل کتاب قرار داشته باشد، در حالی که چهره حق برای آنان آشکار است، نمی‌سزد که از آنان پیروی و فرمانبری کرد، زیرا آنان دعوت کنندگان به فتنه و پیش قراولان کفرند.»

2. در پیوست آیه هجدهم سوره مبارکه نساء با آیه پیش از آن می‌آورد:

«قالوا في وجه اتصال آية الاولى من هذه الآيات بما قبلها من اول سورة لما نهى سبحانه مما تقدم من عادات الجاهلية في امر اليتيم و الاموال عقبه بالنهي عن نوع من استئان بستنهم في النساء انفسهن و اموالهن.» (همان، 453/)

«در پیوند نخستین آیه از این مجموعه آیات گفته‌اند: آن‌گاه که خداوند مسلمانان را از عادت‌های دوره جاهلیت در مورد یتیمان و اموال آنان نهی فرمود، در پی آن، ایشان را نسبت به پیروی از سنت جاهلیت درباره زنان و اموال آنها بر حذر داشت.»

ساحت‌های اختلاف علامه طباطبایی و رشید رضا

اختلاف علامه طباطبایی و رشید رضا در ساحت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن را در سه زمینه می‌توان دید:

1. تفاوت‌های موضوع شناختی

در تصویر محور و موضوع هر یک از سوره‌های قرآن، «المیزان» و «المنار» هر یک راه جداگانه پیموده و در کمتر موردی می‌توان به تبیین و دریافت مشترک در این باره دست یازید. نمونه‌هایی که از «المنار» و «المیزان» در مباحث مختلف این نوشتار آورده‌ایم، ما را بی‌نیاز از یادکرد نمونه‌های عینی و جزئی در تفاوت تلقی و نگاه این دو از موضوع و یا غرض هر یک از سوره‌ها می‌کند.

2. ساختار بندی‌های متفاوت

رشید رضا و علامه طباطبایی در بیان موضوع سوره‌های قرآن دو شیوه متفاوت دارند؛ «المنار» موضوع و ساختار معنایی سوره‌ها را به دو صورت تبیین می‌کند، نخست به صورت چکیده مهم‌ترین مباحث و مسائل سوره در پایان هر یک از سوره‌ها. دیگر، تبیین پیوست و تناسب مفهومی سوره‌هایی که پی هم می‌آیند، با عنوان وجه اتصال و تناسب معنایی سوره بعد با سوره پیشین، و در موارد بسیار اندک نیز موضوع سوره را در مطلع تفسیر سوره جای می‌دهد.

اما علامه طباطبایی وحدت موضوع سوره‌ها را با عنوان «غرض» سوره در نخستین مراحل تفسیر سوره‌ها و پس از تعیین مکی و یا مدنی بودن سوره یاد آور می‌شود. مبنای تفاوت این دو رویکرد را -چنان‌که گفته‌ایم- شاید بتوان توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها از منظر رشید رضا و ناباوری علامه طباطبایی به این موضوع برشمرد.

3. پیوست و گسست مفهومی سوره‌های پیاپی

ترتیب فعلی سوره‌های قرآن در نظر ابتدایی، حکمت و رازی جز طولانی و کوتاه بودن سوره‌ها را نمی‌نمایاند که بر کنار از سوره حمد- از سوره‌های بلند آغاز یافته و به تدریج به پایین‌ترین مراحل منحنی ختم می‌شود.

آیا افزون بر این، حکمت دیگری چون تناسب معنایی سوره‌ها نیز در این چیدمان دخالت داشته است یا خیر؟ چگونگی رهیافت به پاسخ این پرسش ره‌آوردهایی دارد که از جمله آنها کشف نقاط ارتباط و مناسبت میان سوره‌هاست. علامه طباطبایی به بیان تناسب و ارتباط سوره‌های قرآن اعتنا نکرده است جز در موارد اندک، مانند دو سوره مبارکه فیل و قریش، آن هم نه بدان سبب که وی در



پی کشف ارتباط معنایی به دلیل پی هم آمدن آن دو باشد، بل بدان سبب که در باور برخی از مفسران و قرآن پژوهان، آن دو، یک سوره هستند. شاهد بر این مدعا، پیوست تنگاتنگ معنایی آن دو است.

این در حالی است که رشید رضا به مثابه روش و سیره تفسیری، کوشیده است مناسبت میان سوره‌ها را با سوره پیش از آن جستجو کند. علت این تفاوت را شاید بتوان در تفاوت پاسخ ایشان به پرسش پیش گفته سراغ گرفت؛ بدین معنا که علامه طباطبایی چیدمان سوره‌ها به ترتیب کنونی را کاری از اصحاب می‌داند و بر آن است که ترتیب سوره‌ها در جمع نخست و دوم از ناحیه اصحاب صورت گرفته است (طباطبایی، المیزان، 12/126) که بدون در نظر داشت تناسب معنایی، بل به تناسب طول و کوتاهی سوره‌ها این ترتیب را برگزیده‌اند و یا اینکه استنباط اصحاب از تناسب و پیوست معنایی سوره‌ها چنان اعتبار و استحکامی ندارد که الزام آور باشد.

حال آنکه در باور رشید رضا، هر چند چیدمان کنونی بر اساس بلندی، میانی و کوتاه بودن سوره‌های قرآن صورت پذیرفته است، اما همین خود نیز بر پای بست دو حکمت استوار بوده است؛

«من نظر ترتیب السور كلها فی المصحف یری انه قد روعی فی ترتیبها الطول و التوسط و القصر فی الجملة و من حکمته ان فی ذلک عوناً علی تلاوته و حفظه ... و قد روعی التناسب فی معانی السور مع التناسب فی الصور ای مقدار الطول و القصر.» (رشید رضا، 7/287)

«هر کس که به ترتیب سوره‌های مصحف بنگرد، می‌بیند که در چینش آنها، بلندی، میانه بودن و کوتاهی سوره‌ها بالجمله رعایت شده است، از جمله حکمت‌های این ترتیب آن است که این چینش بر تلاوت و حفظ قرآن یاری می‌رساند. افزون بر این، تناسب معانی سوره‌ها نیز رعایت شده و بدین ترتیب هر دو مناسبت صوری (بلندی و کوتاهی) و معنایی در ترتیب سوره‌ها لحاظ شده است.»

کاستی‌های تئوری وحدت موضوعی سوره‌ها

الف) ابهام سوره‌های مکی یا مدنی

اگر سوره‌های مکی و مدنی درون مایه‌های متفاوت و مضامین گوناگون دارند که بر اساس آن فضا و شاخصه‌های معنایی به بازشناسی و ترسیم محور و موضوع یگانه سوره‌ها باید پرداخت، در آن شمار از سوره‌هایی که در مکی و مدنی بودن آنها میان مفسران و قرآن پژوهان اختلاف وجود دارد، مانند سوره‌های رعد، الرحمن، جن، صف، تغابن، مطفین، قدر، بینه، زلزال، توحید، فلق و ناس، چگونه و با چه معیاری می‌توان بدان موضوع یگانه دست یافت؟

ب) در هم آمیزی لایه‌های وحدت موضوعی

همان سان که آوردیم، علامه طباطبایی و رشید رضا هر دو، افزون بر وحدت موضوعی و مجموعی کل قرآن، به پیوست معنایی گروه سوره‌های مکی و گروه سوره‌های مدنی معتقدند و علامه طباطبایی به پیوست موضوعی میان سوره‌هایی باور دارد که با حروف مقطعه همسان آغاز یافته‌اند و نیز بر وجود سوره‌های در هم تنیده از نظر موضوع و معنا و سوره‌هایی که حامل بار معنایی تمام قرآن هستند. با این حال چگونه می‌توان از این میان به واحدهای جداگانه و قابل تفکیک معنایی (سوره‌هایی که هر کدام موضوع مشخص و جداگانه دارند) دسترسی پیدا کرد و برای هر یک از سوره‌های متعدد قرآن، حدود و ثغور معین ترسیم کرد؟ گمان می‌رود این تلاش نافرجام خواهد بود و احیاناً به تداخل و در هم آمیزی قلمروهای معنایی سوره‌ها با یکدیگر می‌انجامد.

ج) میزان تأثیر تناسب در چیدمان سوره‌ها

بر مبنای مفسران و قرآن پژوهانی چون علامه طباطبایی که چیدمان سوره‌ها و یکایک آیات قرآن را بر اساس راهکرد وحی و در نظر داشت مناسبت و ارتباط معنایی منبعث از نظر نازل کننده و گیرنده متن قرآن نمی‌دانند، بلکه به دخالت آرای اصحاب در این چینش باور دارند، با آن هم در پی یافتن موضوع یگانه برای آیات تشکیل دهنده یک سوره از سوره‌های قرآنی هستند، جای این پرسش و تأمل هست که این مفسران به چه پیمانه‌ای رعایت تناسب و ارتباط معنایی از سوی اصحاب را



در این چیدمان اثر گذار می‌دانند و افزون بر آن، بر فرض که اصحاب در ترتیب آیات مصحف، چنان ملاحظه و معیاری را در چشم انداز خویش داشته‌اند، تا چه حد می‌توان به درستی فهم و رهیافت آنان از اتصال و پیوست معارف این آیات اعتبار قائل شده و آن را اساس و مبنای جستجوی موضوع یگانه قلمداد کرد؟ بدین‌سان تلاش برای جستجوی غرض واحد برای هر سوره از سوی علامه طباطبایی و دیگر کسانی که با او در مبنای پیش گفته هم نظرند، جای درنگ و تأمل دارد.

د) پیوست موضوعی افق‌های ناهمسان

همان گونه که گذشت، علامه طباطبایی و رشید رضا مجموعه سوره‌های مکی و نیز مجموعه سوره‌های مدنی را دارای محورهای موضوعی مشخص و جدای از هم می‌دانند. از سوی دیگر گفته شد که علامه طباطبایی میان سوره‌هایی که با حروف مقطعه همسان آغاز یافته‌اند، قائل به وحدت موضوعی و پیوست معنایی است. این در حالی است که هشت سوره آغاز یافته با حروف یکسان، برخی بالاجماع مکی و برخی مدنی‌اند. علامه خود در مدنی بودن حتمی برخی از آن سوره‌ها می‌گوید:

«والذی اتفقوا علیه من المدنیة، البقره و آل عمران و ...» (طباطبایی، 9/18)

«سوره‌هایی که بر مدنی بودن آنها اتفاق دارند، عبارت است از بقره، آل عمران

و ...»

بدین ترتیب آیا یک سوره هم زمان می‌تواند با دو افق ناهمسان و دو مجموعه معنایی نسبتاً گسسته (مکی مدنی) پیوست موضوعی داشته باشد؟ اگر مراد از وحدت موضوعی کمترین ارتباط معنایی باشد، در آن صورت تمامی سوره‌های قرآن متحد الموضوعند و برای هر سوره قلمرو جدای معنایی نمی‌توان سراغ داد.

منابع و مأخذ:

1. ابن عاشور، محمد طاهر؛ التحرير و التنوير، چاپ دوم، بيروت، دار الكتب العربی، بی تا.
2. اوسی، علی؛ روش علامه طباطبایی در المیزان، ترجمه سید حسین میرجلیلی، چاپ اول، تهران، چاپ و نشر بین الملل، 1381 ش.
3. بقاعی، ابراهیم بن عمر؛ نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، چاپ دوم، قاهره، بی تا، بی تا.
4. رشید رضا؛ تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
5. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1362 ش.
6. سیوطی، عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، قم، منشورات رضی، 1376 ش.
7. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، 1390 ق.
8.؛ قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب، 1386 ش.
9. فضلی، عباس؛ علوم قرآن در تفسیر المیزان، چاپ اول، تهران، نشر خرمشهر، 1380 ش.
10. قمی نیشابوری، حسن بن محمد؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقان، قاهره، مطبعة مصطفى البابی الحلبي، بی تا.
11. مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ علوم القرآن عند المفسرین، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1376 ش.